



پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت فرارسیدن نوروز و آغاز سال ۱۳۹۸

کارگران، مردم مبارز و آزادیخواه ایران!

فرارسیدن نوروز و آغاز سال نو را از صمیم قلب به یکایک شما عزیزان شاد باش می گوئیم. به این امید که بهار امسال بهار آزادی و سال جدید سال تندرستی، شادی، موفقیت و کامیابی برای همگی شما باشد. در این روز یاد و خاطره هزاران انسان مبارز و کمونیستی که چه در سیاه چال‌های رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و چه در میدان‌های مختلف مبارزه سیاسی و طبقاتی علیه این رژیم ضد انسانی جان باختند، را گرامی می داریم. این عزیزان برای تحقق اهداف والای انسانی و در راه آزادی و برابری انسان از قید بردگی، در راه مبارزه علیه نظم کهنه جهل و خرافه، از جانشان مایه گذاشتند.

فرارسیدن نوروز و سال نو را به همه زندانیان سیاسی مبارز و آزادیخواه در بند رژیم اسلامی شادباش می گوئیم. دور نیست آن روزهایی که این عزیزان با خیزش و قیام کارگران و توده های مردم زحمتکش ایران و با در هم شکستن درب زندان‌های رژیم اسلامی آزاد شوند و سرافرازانه به آغوش عزیزان و همزمانشان باز گردند.

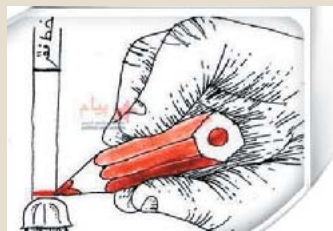
مردم مبارز ایران!

ما در شرایطی سال ۱۳۹۸ را آغاز می کنیم که چهل سال پس از حاکمیت جمهوری اسلامی، کارگران و دیگر اقشار تهیدست جامعه روز به روز بیشتر با معضل بیکاری و فقر و گرسنگی روبرو شده اند. مطمئناً امسال نیز سفره نوروزی میلیونها نفر از شما کارگران و توده های مردم زحمتکش خالی تر شده، قدرت خریدتان

سیل ویرانگر، بی مسئولیتی رژیم، همبستگی مردمی



در سال جاری تامین معیشت روزانه اکثریت مردم ایران دشواری خواهد شد!



مفهوم حاکمیت شورایی

در این نوشتار به مفهوم شوراهای سراسری و منطقه ای به ویژه مفهوم حاکمیت شورایی در کردستان پرداخته می شود و نیز از آزمون کمون پاریس که ۱۴۸ سالگی آن را می گذرانیم یاد می شود.



جنبش "جمعه ها برای آینده" و چالش هایش

اطلاعیه پایانی کنفرانس دوازدهم تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران

کنفرانس دوازدهم تشکیلات خارج
از کشور حزب کمونیست ایران

۲۲ - ۲۴ مارس ۲۰۱۹

The 12th Conference Of Abroad
Organisation Of Communist
Party Of Iran

March 22-24, 2019



به مراتب پایین تر آمده و خانواده‌های شما و عزیزان و جگرگوشه هایتان بر سر سفره

بی رونق نوروزی دورهم جمع می شوید. آنچه حکومت اسلامی برای سال آینده به کارگران و دیگر مزد بگیران وعده داده افزایش چهار صد هزار تومان به حداقل دستمزد پنج برابر زیر خط فقر کنونی است و این در شرایطی است که جریان سقوط ارزش پول ایران ادامه دارد و افزایش این مبلغ ناچیز دردی از مصیبت های مردم تهیدست را درمان نمی کند. با این وجود، دولت روحانی اعلام کرده که توان افزایش این مبلغ ناچیز را هم ندارد.

این در حالی است که سرمایه داران زانو صفت و دولت اسلامی شان ماه ها

دستمزد ناچیز رنج و کار شما را نپرداخته اند، و این وضعیت برای میلیون ها خانواده بیکار از انهم مشقت بارتر است. اما صاحبان دزد و فاسد حکومت و سرمایه، از نعمات و ثروت و سامانی که مال شما است و با دست و بازوی پر توان شما تولید شده است، در کاخ های مجلل به زندگی فرعونی خود ادامه می دهند و میلیاردها دلار ثروت اندوزی می کنند. آنها مسبب فقر و بیکاری و گرسنگی شما و عامل اصلی فساد، دزدی، اعتیاد، تن فروشی و دیگر نابسامانی های جامعه ایران هستند. بی دلیل نیست که در این کشور میلیون ها جوان، از این رژیم جنایتکار بیزارند. میلیون ها زن، اسیر قوانین ضد انسانی و سنت های مذهبی و مردسالار از این رژیم متفرند. میلیون ها کارگر بیکارند و با درآمد بخور و نمیری زندگی می کنند و به سرنگونی این رژیم می اندیشند. میلیونها معلم و پرستار و کارمند و بازنشسته زیر خط فقر زندگی می کنند و از ادامه این اوضاع عاصی هستند. میلیون ها انسان معتاد و بی خانمان هستند و در آلودگیهای حاشیه شهرها شب را به روز می رسانند و کارتن خوابی و گور خوابی به پدیده هایی شناخته شده تبدیل شده اند.

اما از جانب دیگر بحران نظام سرمایه داری ایران و تشدید تحریم های اقتصادی بر متن این بحران و سیاست های توسعه طلبانه رژیم با هزینه های کلان، کل حاکمیت رژیم اسلامی را در معرض فروپاشی قرار داده است. رژیم سال هاست راهی برای برون رفت از این بحران ها ندارد. پاسخ جمهوری اسلامی به مطالبات و اعتراضات حق طلبانه شما یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر به اعتراضاتان بوده است. اما شما در این دوره نشان دادید که ابزار سرکوب رژیم در مقابل اراده کارگران و دیگر اقشار به جان آمده جامعه کارائی آنچنانی ندارد. دیدیم که نامه دادخواهی اسماعیل بخشی و افشاکاری های سپیده قلیان و دیگران در رابطه با اعمال سرکوب و شکنجه های وحشیانه سیستم های امنیتی چگونه برای حکومت هزینه بردار شد و رژیم را بیش از پیش در سطح داخلی و بین المللی رسوا ساخت.

اما این درجه از اعتراض و اعتصابات هنوز برای به زانو درآوردن رژیم کافی نیست و باید گسترش یابد. باید این اعتراضات از کارخانه ای به کارخانه دیگر و از شهری به شهر دیگر برسد. لازم است اعتراض و اعتصابات اقتصادی و سیاسی با هم توأم شوند و دیگر اقشار جامعه از جمله حاشیه نشینان بی خانمان نیز بیشتر به موج این حرکات اعتراضی بپیوندند. در چنین حالتی با اعتراضات و اعتصابات سراسری و هماهنگ مداوم، نیروهای سرکوبگر رژیم زمین گیر شده و حاکمیت اسلامی فلج خواهد شد.

کارگران ، مردم آزادیخواه ایران!

شیشه عمر رژیم در دستان پر قدرت شما قرار دارد. جمهوری اسلامی رفتنی است و باید برود. این حکم را شما مردم مبارز در خیزش دیمه ۹۶ و با سر دادن شعار سیاسی "اصلاح طلب اصولگرا - دیگه تمومه ماجرا"، صادر کردید. شما کارگران، رانندگان، معلمان، زنان آزاده، جوانان عاصی از فقر و بیکاری، دانش آموزان و دانشجویان، بازنشستگان و دیگر اقشار جامعه در سراسر ایران،

در بیش از یک سال گذشته با هزاران اعتصاب و تجمع اعتراضی و طرح مطالبات اقتصادی و سیاسی کلیت این نظام را به چالش کشیده اید. ویژگی این دوره از اعتراضات در روشن و شفاف بودن خواست و مطالبات، در ایفای نقش رهبری و ارتباط بیشتر فعالین و پیشروان آگاه قابل مشاهده بوده است. ویژگی آن در گسترده بودن حضور و نقش برجسته زنان، در راه افتادن موج همبستگی و پشتیبانی جنبش های پیشرو اجتماعی از مبارزات هم دیگر و در تداوم و سراسری بودن آن است. این نبردهای سنگر به سنگر با رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، نوید بخش پیروزی و رهایی از شر این رژیم نکبت بار است. با توجه به ناتوانی و درماندگی رژیم در پاسخگویی به خواسته ها و مطالبات کارگران و مردم معترض، گسترش اعتراضات در ایران اجتناب ناپذیر است و خیزش سراسری کارگران و توده های مردم علیه فقر و گرسنگی و علیه رژیم جمهوری اسلامی آن کابوسی است که برای سران و کارگزاران رژیم به واقعیت خواهد پیوست.

این حق ما است جامعه ای بنا نهیم که در آن ستمی وجود نداشته باشد و استثمار انسان به دست انسان پایان یابد. دنیایی که در آن آزادی و رفاه همگانی جای اسارت و بی عدالتی و کمبود و محرومیت را بگیرد و فرصت های یکسان برای رشد و شکوفایی خلاقیت ها و تعالی همگان فراهم شود. دنیایی که در آن هدف تولید، نه کسب سود، بلکه تامین نیازهای انسان است، جهانی که در آن هر کس به اندازه توانش کار می کند و به اندازه نیازش از مواهب زندگی برخوردار می گردد، دنیایی عاری از جنگ و جنایت و سودپرستی سرمایه. دنیایی پر از صلح و نشاط و آرامش. این جهان دگرگونه سوسیالیسم است و بناکردن چنین جامعه ای ضروری و در توان ماست.

کارگران پیشرو، فعالین کمونیست، رفقای حزبی!

آنچه شما در مبارزات روزانه تان در درون جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی انجام می دهید، با هیچ کار و فعالیت دیگری قابل جایگزینی نیست. شما سنگ زیربنای نبرد سیاسی و طبقاتی امروز و فردا در جامعه هستید. ارتقای آگاهی سیاسی و طبقاتی خود و رفقای همزمندان وظیفه خطیر امروز است. تلاش برای سازماندهی، پیشبرد و هدایت جنبش های اعتراضی بر مبنای استراتژی و برنامه حزب کمونیست ایران بر عهده شما است. نیرو و توان خود را برای این امر مهم به کار گیرید. بگذارید سال نو را با امید به موفقیت نبرد سرنوشت سازی که در جریان است آغاز کنیم. بار دیگر نوروز و فرارسیدن سال نو را به همه شما عزیزان شادباش می گوئیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲۸ اسفند ۱۳۹۷



سیل ویرانگر، بی مسئولیتی رژیم، همبستگی مردمی



در همدردی با مردم مناطق سیل زده ایران

بارانهای سیل آسا بیشتر استانهای ایران را در بر گرفته و سیل در بخشهای بزرگی از ایران تلفات انسانی و ویرانیهای گسترده ای را به دنبال داشته است. خسارتهای جانی و مالی سیل مرتبا رو به افزایش است. تا کنون دهها نفر جانشان را از دست داده اند، صدها نفر زخمی شده اند، هزاران خانه ویران شده اند و صدها هزار نفر از هستی ساقط شده اند. گسترده ترین سیلابها در ترکمن صحرا، یعنی استان گلستان جاری شده است که با بیشترین خسارتهای مالی و ویرانی همراه بوده است. در شیراز تنها در محدوده دروازه شهر ۲۰ نفر جان خود را از دست داده اند. روشن است که میزان خسارات و ویرانیهایی بسیار بیش از آن است که نهادهای رسمی دولتی ایران اعلام می کنند. اما ارزیابی از میزان خسارات و عوارض ناشی از اینگونه بلایای طبیعی، همه جا به نوعی پای دولتها و نظام اجتماعی حاکم را به میان می آورد. نظامی که با سود جوئی سیری ناپذیر خود تعادل زیست محیطی جهان را بر هم زده است و هر روز در گوشه ای شاهد پی آمدهای مخرب آن هستیم.

سیل مانند زلزله و آتش فشان و سونامی و طوفان و غیره یک فاجعه طبیعی است. بارش بارانهای سیل آسا در بسیاری از مناطق جهان همواره امکان وقوع دارند، اما میزان خسارات وارده ناشی از آنها همه جا یکسان نیست. انسان عصر ما دیگر اسیر بدون اراده دست طبیعت نیست، بلکه توانایی مهار بسیاری از نیروهای طبیعت و بکار گرفتن آنها در خدمت رشد و تکامل زندگی خود را به درجه بسیار زیادی به دست آورده است. اگر در ایران تحت حاکمیت رژیم های فاسدی چون رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی، هر رویداد طبیعی به فاجعه ای تبدیل می شود، علت را اساسا نه فقط در خشم طبیعت، بلکه مهمتر از آن در وجود نظام حاکم باید جستجو کرد.

اگر بارانهای سیل آسا اجتناب ناپذیر هستند، اما براه افتادن سیل ویرانگر اجتناب پذیر است. اگر زلزله اجتناب ناپذیر است، ساختن بناهای مقاوم در برابر زلزله امکانپذیر است. در کشوری مانند ایران، بر خلاف زلزله، حتی در نفس راه افتادن سیلابها هم رد پای عوامل انسانی را می توان مشاهده کرد. بگذارید به عنوان نمونه سیل اخیر در استان گلستان را بررسی کنیم که کم و بیش شامل بقیه نقاط سیل زده ایران نیز می شود:

اول، سیل در ترکمن صحرا غافلگیر کننده نبود. استان گلستان مانند استان فارس همواره یکی از استانهای سیل گیر ایران بوده است. براساس آمار های موجود از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۹۵ بیش از ۱۲۰ بار سیل بزرگ و کوچک در این منطقه رخ داده است. در سال ۱۳۸۰ ویرانگر ترین سیل ۲۰۰۱ جهان در همین استان رویداد. در آن سال سیلاب بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر مربع را در بر گرفت و بیش از ۵۰۰ نفر جانشان را از دست دادند. در سال ۱۳۹۶ یک دانشجوی دوره کارشناسی در دانشگاه بوشهر، با نوشتن مقاله ای در نشریه علمی این دانشگاه با بررسی دقیق و کارشناسانه، "گرگان رود" را به عنوان یکی از مهمترین شاخه های سیل خیز استان گلستان نام برده بود. وی زیر آب رفتن شهرک آق قلا را دو سال پیش با محاسبات دقیق نقشه برداری، پیش بینی کرده بود، فاجعه ای که اکنون اتفاق افتاده است. با این همه تجربه و دانشی که در این زمینه وجود دارد سیل ترکمن صحرا نه تنها می توانست غافلگیر کننده نباشد بلکه قابل کنترل و مهار کردن نیز بود. چنانچه بودجه لازم به این امر اختصاص داده می شد، می توانست پروژه های ماندگاری برای حل همیشگی مشکل این استان در زمینه جاری شدن سیلابها به اجرا در بیاید. در این صورت باران زیاد نه مرگ و ویرانی، بلکه آب و آبادانی به همراه می آورد.

دوم، سیل در استان گلستان اجتناب ناپذیر هم نبود. تحقیقات کارشناسانه نشان داده است که تخریب جنگلهای استان گلستان و فرسایش خاک از دلایل اصلی وقوع سیل های پیاپی در این استان هستند.

اما در هر دوی این موارد رد پای سرمایه داران سود جو و دستگاههای اداری فاسد قابل مشاهده هستند. جنگل خواری، تخریب محیط زیست، فرسودگی خاک، که از جمله عوامل جاری شدن سیلابها هستند، همه توسط شبکه های مافیای اقتصادی وابسته به نهادهای دولتی صورت گرفته اند. در نتیجه قطع بی رویه درختان، تبدیل جنگل ها به ویلاها و مناطق مسکونی و مراکز اقتصادی وابسته به سپاه و بنگاههای دیگر، آتش سوزی هایی که تلاشی هم برای مهار آنها صورت نمی گرفت، طی ۴۰ سال گذشته حجم جنگل های این منطقه به نصف تقلیل یافته است. دامداریهای کارشناسی نشده به فرسایش خاک و پر شدن سدها از خاک و در نتیجه سر ریزشدنشان، منجر شده است.

سوم، مدیریت ناتوان و فاسد، در نتیجه وجود دستگاههای بروکراتیک و فاسد، نه تنها هیچ برنامه ای از قبل برای روبرو شدن با چنین وقایعی وجود ندارد، بلکه در گرماگرم حادثه هم این دستگاهها نه خود کار موثری انجام می دهند و نه اجازه می دهند یاری رساندن به حادثه دیدگان بوسیله نهادهای مردمی سازمان یابد. هم اکنون صدها هزار نفر در نقاط مختلف ایران گرفتار سیل و عوارض آن هستند. دولتی که خود را صاحب یکی از گسترده ترین ماشینهای جنگی منطقه می داند و بیش از یک میلیون نفر نیروی سازمان یافته نظامی دارد، اقدام موثری برای کمک به این مردم حادثه دیده انجام نمی دهد.

هم اکنون از سرتاسر ایران، علیرغم وضعیت دشوار اقتصادی، سیل کمکه های مردمی به سوی مناطق سیل زده روان است، اما این حرکت نه تنها خوشایند کارگزاران رژیم نیست بلکه چون خاری در چشم آنها است. قریب چهل سال پیش بود که ۹ تن از یاران ما در راه رساندن کمکه های انسانی به همین مردم ترکمن صحرا جان باختند. تداوم این سنتها به تقویت همبستگی مبارزاتی و سیاسی مردم در مبارزه با رژیم حاکم منجر می شود. این سنتهای انساندوستانه مردمی را باید گرمی داشت و به گرمی از آن پشتیبانی نمود.

هراس رژیم از نیروی همبستگی مردم با سیل زدگان

در حالی که خطر سیل شهر تهران را تهدید می‌کند و پلیس تهران دستور تعطیلی واحدهای صنفی شمال شهر را صادر کرده است، کارشناسان هواشناسی، روز سه‌شنبه ششم فروردین از احتمال طغیان رودخانه‌ها و سیلابی شدن ۱۸ نقطه دیگر ایران خبر دادند. بنا به گزارش ایرنا این کارشناسان وقوع سیلاب در استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهار محال بختیاری، بوشهر، فارس و اصفهان بر اثر رگبار و رعد و برق شدید را پیش‌بینی کرده اند. این هشدارها در حالی است که بارش شدید باران و جاری شدن سیل در روزهای گذشته تلفات جانی و خسارت‌های سنگینی را در مناطق مختلف ایران به همراه داشته است. با افزایش تلفات انسانی و خسارت‌های سنگین ناشی از جاری شدن سیل و طغیان رودخانه‌ها و افزایش احتمال شکسته شدن بعضی از سد‌ها، ضعف و درماندگی نهادهای حکومتی در ارسال کمک‌های لازم به مناطق سیل زده بر همگان آشکار شده است. ضعف و درماندگی نهادهای حکومتی در ارسال کمک به این مناطق چنان آشکار است که بنا به گزارش روزنامه حکومتی "انتخاب" برخی از خودی‌های رژیم هم طی نامه‌های سرگشاده به روحانی، خواستار عزل وزیر کشور به دلیل ضعف وی در مدیریت این بحران طبیعی و پیامدهای آن شده اند.

اما در شرایطی که خودی‌های رژیم نیز به ضعف مدیریت این بحران اعتراف می‌کنند، بنا به گزارش خبرگزاری حکومتی ایسنا، جواد جاویدینا معاون دادستان کل رژیم جمهوری اسلامی، هر گونه جمع‌آوری کمک‌های مردمی توسط اشخاص و سازمان‌های معروف و شناخته شده جز از طریق جمعیت هلال احمر و کمیته امداد را ممنوع اعلام کرده است. البته معاون دادستان کل رژیم اسلامی به بهانه و توجیه مقابله با کلاهبرداری‌هایی که گویا تحت پوشش جمع‌آوری کمک‌های مردمی صورت گرفته این حکم ضد انسانی را صادر کرده است، اما واقعیت این است که سران رژیم جمهوری اسلامی از گسترش روحیه همدردی و نیروی همبستگی و سازماندهی مستقل کمک‌های مردمی به سیل زدگان هراس دارند. سران رژیم جمهوری اسلامی تجربه صحنه‌های شکوهمند ابراز همبستگی و سازماندهی جمع‌آوری و ارسال کمک‌های انسانی به زلزله زدگان استان کرمانشاه



از جانب مردم کردستان و برخی دیگر از شهرهای ایران را فراموش نکرده اند. سران رژیم می‌خواهند از هر گونه فرصت و امکانی برای ابراز وجود قدرت همبستگی مردم جلوگیری کنند.

مردم ایران به یاد دارند که بعد از وقوع زمین لرزه آبان ماه سال ۱۳۹۶ در استان کرمانشاه و درماندگی آشکار نهادهای حکومتی در ارسال کمک‌های مورد نیاز به زلزله زدگان و آوارگان این واقعه، چگونه توده‌های مردم در شهرها و روستاهای کردستان و برخی دیگر از شهرهای ایران دسته دسته با هر امکان و توانی که در اختیار داشتند وسایل و محموله‌های کمکی لازم را به اکیپ‌های ویژه جمع‌آوری این کمک‌ها که در نقاط مختلف شهرها استقرار یافته بودند تحویل می‌دادند و چگونه امدادگران مردمی به رغم کارشکنی‌های مأموران و کارگزاران رژیم به طور مستمر کمک‌های جمع‌آوری شده را به نواحی زلزله زده انتقال می‌دادند. در آن زمان توده‌های مردم کردستان در برابر رفتار ضد انسانی مقامات حکومتی در عدم ارسال کمک‌های مورد نیاز به مناطق زلزله زده، با ارسال کمک‌های بی دریغ خود و نشان دادن صحنه‌های با شکوهی از همبستگی انسانی با آسیب دیدگان و آوارگان این واقعه، واکنش نشان دادند.

اما به رغم اینها، درماندگی رژیم در انجام عملیات امداد و نجات و کندی در ارسال کمک‌های اولیه به سیل زدگان تنها عامل افزایش تلفات و بروز بحران انسانی بعد از جاری شدن سیل و طغیان رودخانه‌ها نیست. درجه بالای آسیب‌پذیری مردم در برابر این نوع سوانح طبیعی ریشه در سیاست‌های سرمایه دارانه زیست محیطی رژیم جمهوری اسلامی دارد. بنا به اعتراف حسن روحانی در نشست با جمعی از وزیران و مسئولان اجرایی رژیم در روز سه‌شنبه ششم فروردین ماه، سیاست‌های بحران‌زای زیست محیطی خود رژیم نقش مهمی در ابعاد ویرانگر این

سوانح طبیعی در مناسبات سرمایه داری، در نظامی که منابع ثروت و قدرت در دستان اقلیت سرمایه داران و دولت قرار دارد همواره بیشترین قربانیان را از اقشار محروم جامعه می‌گیرد. اگر وقوع سیل و طغیان رودخانه‌ها یک سانحه طبیعی است، اما ابعاد تلفات و بافت طبقاتی تلفاتی که از خود بر جای می‌گذارد و پیامدهای آن مهر جامعه طبقاتی را بر خود دارد. فقط کافی است بخشی از منابعی را که رژیم جمهوری اسلامی صرف تجهیز نیروهای سرکوبگر، پروژه‌های اتمی، دستگاه تبلیغات، جنگ‌های ویرانگر منطقه‌ای و هزینه استخدام صد‌ها هزار آخوند برای ترویج جهل و خرافه مذهبی می‌کند را به پروژه‌های مقابله با احتمال وقوع این نوع سوانح طبیعی و مبارزه با فقر و تأمین مسکن مناسب اختصاص داد تا تلفات این گونه سوانح طبیعی را پایین آورد. با اینحال در تمام جوامع سرمایه داری چگونگی عکس‌العمل دولت‌های حاکم در مقابله با قهر طبیعت، تابعی است از سطح مبارزات و میزان سازمانیابی مردم و پیشروی آنها در راستای متعهد کردن دولت‌ها به وظایفی که باید انجام دهند. در شرایط کنونی تنها با نیروی همبستگی و سازماندهی جمع‌آوری کمک‌ها و ارسال آن به سیل زدگان و اعتراض یکپارچه به بی‌توجهی و سیاست ضد انسانی رژیم در این زمینه است که می‌توان رژیم جمهوری اسلامی را وادار کرد که بودجه و امکانات لازم را به سیل زدگان اختصاص دهد و خسارات مادی وارد آمده به آنان را جبران کند



تلویزیون کومه له

www.tvkomala.com



کومه له

www.komalah.org



حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت‌های حزب

کمونیست ایران

و کومه له دیدن کنید!

عباس منصوران

مفهوم حاکمیت شورایی

برپایی تشکلهای توده ای و طبقاتی کارگران، سازمانیابی جنبش زنان، رشد جنبش اعتراضی مردم بر علیه رژیم از ملزومات پیشروی و پیروزی این جنبش و تحقق حاکمیت توده های استثمارشده و ستمدیده در کردستان است.

شرط لازم پیشروی جنبش انقلابی و تحقق حاکمیت مردم، جدایی توده های کارگر و زحمتکش از استراتژی، افق، آرمانها و سیاستهای احزاب بورژوازی در کردستان

تقویت استراتژی سوسیالیستی در قبال استراتژی ناسیونالیستی در مقیاس اجتماعی است... کومله بر طبق برنامه حزب کمونیست ایران برای پایان دادن به حاکمیت سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه دار و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی مبارزه میکنند...

تامین اراده آزادانه مردم کردستان بر سرنوشت خویش، محصول تداوم یک مبارزه توده گیر همه جانبه، سیاسی، اجتماعی و نظامی بر علیه جمهوری اسلامی است.

...سقوط و درهم پاشیدن نیروها و نهادهای حکومت مرکزی و عقب نشینی آنان پایان کار نیست. پیروزی در این مرحله با تشکیل ارگان های قدرت توده ای در شهر و روستا و سازمانیابی یک ساختمان حاکمیت شورایی در کردستان کامل خواهد شد...

تضمین نهایی و تداوم پیروزی، در گرو درهم شکستن قطعی قدرت دولت مرکزی و پیشروی جنبش کارگری در سطح سراسری است. سهل ترین و کم دردسرتین راه، حفظ دستاوردهای یک جنبش انقلابی پیروزمند در کردستان پیوند با یک انقلاب سراسری در ایران است...

برنامه سازمان کردستان حکا (کومه له) در اینجا ضمانت اجرایی و نهایی و تداوم پیروزی را در گرو «انقلاب سراسری در ایران» می شمارد. در این برنامه و نیز در بیانیه کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان که سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) یکی از نیروهای آن است، مفهوم شورا علیرغم کاربرد مفاهیم پوپولیستی درونمایه ای انقلابی دارد. کاربرد مفاهیم پوپولیستی مانند: «مردم کارگر» به جای «طبقه کارگر» و اصرار در کاربرد «مردم» و «تشکیل ارگان های قدرت توده ای در شهر و روستا ... و بر حاکمیت شورایی و اعمال اراده مستقیم مردم در کردستان» به جای «سازمانیابی ارگان های شورایی اعمال اراده مستقیم کارگران و تهری دستان شهر و روستا، بیانگر آن است که در این اتحاد نیروها، سازش هایی در کاربرد مفهوم های استراتژیک صورت گرفته است.



که سرو کله جایگزین های ساختگی و دروغین با زیور «شورا» و «حاکمیت شورایی» و... به میان می آیند. هنگامی که از حاکمیت شورایی سخن به میان می آید به خودی خود، حکومت شورایی به ذهن ها بازتاب می یابد. حکومت، اما خود برتری و سلطه را در معنا دارد. طبقه کارگر و کمونیسم در بنیاد، هیچ حکومتی را نه تنها پشتیبان نیست، بلکه ضد بقاء هرگونه حکومتی است، حتی حکومت کارگری! «حاکمیت کارگری» مورد نظر مارکس و انگلس، خودکاهنده و ذوب شونده است و از همین روی کمون را «قدرت سیاسی طبقه کارگر» و به سان یک رژیم دوران انتقال (مارکس، حاشیه نویسی بر باکونین، مجموعه آثار، جلد ۱۸، ص ۶۳۶) می نامد. مارکس می نویسد: «کمون در اساس حکومت طبقه کارگر بود... آن شکل سیاسی که سرانجام کشف شده و وظیفه اش رهائی» بود. (مارکس، منتخب آثار، جلد اول، ص ۴۷۴-۴۷۳).

پرسش اینجاست که: سلطه و برتری بر چه بخش یا لایه و یا طبقه ای در اجتماع؟ و نخستین تر آنکه این حاکمیت از سوی چه کسانی اعمال می شود؟ مناسبات طبقاتی - تولیدی حاکم و جاری در جامعه چیست؟ افق این حاکمیت شورایی کجاست؟ و پرسش هایی این چنین. اگر از «خودگردانی شورایی» یا «خودمدیریتی شورایی» با کمون و کانون سخن گفته می شود، این «خود» ها چه کسانی هستند؟ افق و سمت و سویشان کجاست؟ و در کدامین مناسبات تولیدی و طبقاتی بستر دارند و افق گرفته اند؟

حاکمیت شورایی به بیان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

تا آنجا که به موضوع شوراها در ایران بازمی گردد، برنامه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) در رابطه با «حاکمیت شورایی در کردستان» برپایه ملزومات زیر می شمارد:

«... طبقه کارگر و زحمتکشان شهری و روستایی نیروی محرکه اصلی جنبش انقلابی در کردستان را تشکیل میدهند، رشد جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر

در این نوشتار به مفهوم شوراها سراسری و منطقه ای به ویژه مفهوم حاکمیت شورایی در کردستان پرداخته می شود و نیز از آزمون کمون پاریس که ۱۴۸ سالگی آن را می گذرانیم یاد می شود.

در این روزها از واژه هایی به نام شورا، خودگردانی شورایی، حاکمیت شورایی، دمکراسی شورایی، خود - مدیریتی شورایی، کمون، کمونال، کانتون و... بسیار گفته می شود، ولی کمتر مورد کنکاش قرار می گیرد. با این همه، مفهوم شورا، با پسوندهای گوناگون هر یک با بار طبقاتی خود از سوی نیروهای سیاسی، در آغاز، دریافتی پیشرو به دید می آید. زیرا که از شورا، نامبرده می شود و نه از سلطه فردی یا از حاکمیت حزبی، نه از پارلماناریسم و نه از جمهوری حزب ها و ائتلاف نیروهای سیاسی. اما نام بردن از شورا و باور به شورا، با هر پسوند و پیشوندی، بدون بیان ماهیت و سرشت شورا، نشانگر انقلابی بودن و یا پیشروی آن نیست. به این بیان، نام مبهم شورا به خودی خود، می تواند با برداشت های گوناگون و منافع طبقاتی متضاد، هم مورد سوء برداشت قرار گیرد و هم در دست سوء استفاده نشر دهنده گان آن به ضد مفهوم دگرگون شود.

گزینه ی شورا، درست زمانی به میان می آید که نیروهای انقلابی به آغاز درک آگاهی یک ضرورت می رسند؛ یعنی به ضرورت در این آغازگاه که شورا، گزینه ای است استراتژیک در برابر حاکمیت موجود. مفهوم ضرورت نیز خود، از قانون دیالکتیک پدیده ها پیروی می کند و دارای دیالکتیکی دو سویه است. یک سوی این تضاد دیالکتیکی (تز)، باید نفی شود و سوی دیگر آن، پدیده بالنده ای است (آنتی تز) که ایجاب گر است و بخش کهنه را نفی می کند و ساختاری (سنتز) آفریده می شود. یعنی ساختاریابی یا مادیت یابی گزینه ای نوین به جای ضدیتی که کهنه، فرسوده و ارتجاعی شده با یک انقلاب (جهش و نه رفرم) آفریده می شود. این پدیداری، تدریجی و لاکپشتی، خودبخودی یا ارادی نیست، بلکه، به طبقه ای بالنده، آگاه و سازمان یافته و پیشاهنگ نیاز دارد که انقلابی است، یعنی دگرگونی رادیکال مناسبات حاکم و میرنده را هدف گرفته است. در اینجا دیگر جایی برای یک جایگزین رنگ و زیور گرفته و رفرمیستی از ساختار فرسوده قدیمی نمی ماند. نیروی بینابینی و سانتیستی نمی تواند به چانه زنی برآید که شرایط ذهنی را باید آماه ساخت، پس شکیبایی را باید پیشه ساخت. چنین دیدگاهی رویزیونیستی است و راه تکامل تدریجی و مرحله بندی را در نظر دارد. بنابراین، بین ضدیتی که باید نفی شود و «برابرنهادی» که دگرگون خواه است، گزینه بینابینی در میان نیست. در اینجاست



حاکمیت شورایی و کنفرانس نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

حاکمیت شورایی را در پیوند مستقیم با جنبش سوسیالیستی و انقلاب کارگری در ایران می‌داند و بر آن است که «در چنین شرایطی ارائه یک آلترناتیو سوسیالیستی از طرف نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، که در آن تصویر روشنی از معنای سرنگونی جمهوری اسلامی، چگونگی پیروزی، شکل شرکت مستقیم توده‌های مردم کردستان در حاکمیت سیاسی و اداره جامعه و تحقق خواست‌ها و مطالبات مردم کارگر و زحمتکش بدست داده شده باشد، مبرمیت پیدا کرده است.

پیروزی آلترناتیو سوسیالیستی در گرو در هم شکستن قطعی قدرت دولت مرکزی، پیشروی طبقه کارگر، جنبش و احزاب کمونیستی در خلع ید از بورژوازی و کسب قدرت سیاسی و استقرار حکومت کارگری در سطح سراسری است. سهل‌ترین و کم‌دردسرترین راه حفظ دستاوردهای مبارزه مردم در کردستان پیوند با یک انقلاب و جنبش سرنگونی در سطح ایران است.»

شاید بازنگری آزمون ارزنده و تاریخی طبقه کارگر در کمون پاریس، به یافتن پاسخ‌های مناسبی از سرشت شورا و خودگردانی یاری امان دهد. کمون پاریس با عمر پرافتخار و کهکشانی نزدیک به ۳ ماهه خود در سال ۱۸۷۱، یک شورای خودگردان بود. نیروهای پیشتاز آن برهه، از آنارشیست‌ها گرفته تا سوسیالیست‌ها و از کمونیست‌ها (که در اقلیت بودند) الگویی است از یک شورای انقلابی.

آزمون شورایی کمون پاریس

سال ۱۸۷۱، پاریس در محاصره ارتش پروس از سویی و لویی بناپارت در سوی دیگر هنگامی که کمون پاریس رهبری انقلاب کارگری را به دست گرفت کمتر کسی این ساده‌اندیشی را داشت که انقلاب و کمون، پیروز می‌شود. مارکس و انگلس به همراه کمونیست‌های شرکت‌کننده در کمون پیشاپیش همراه با پشتیبانی از نبرد طبقاتی همزمان با دو امپراتوری بزرگ فرانسه و پروس رای دادند بی آنکه دچار توهم پیروزی باشند. بنابراین، آیا

این یک خودکشی آگاهانه و پرافتخار بود؟ یا درک یک ضرورت و آگاهی از ضرورتی آگاهانه! هنگامی که کارگران به رهبری کمون پیوستند، خودگردانی خویش را برای نخستین بار در تاریخ به آزمون گذاردند. کارگران به این آگاهی رسیده بود که نباید طبقه‌ای در خود باشند، بلکه باید به طبقه‌ای برای خود دگرگون شوند- یعنی که به درک تعیین سرنوشت خویش به دست خود رسیده‌اند. کارگران در آن برهه به این آگاهی طبقاتی دست یافته بودند که اگر خود سرنوشت خویش را به دست نگیرند، در این مجال

تاریخی، سوم شخص‌ها سرنوشتشان را به دست خواهند داشت. کارگران و کمونیست‌ها و همه کموناردها، برای نخستین بار شجاعت (جسارت و آگاهی) یافتند که به سلطه حکومتی «سروران طبیعی» خویش، یعنی به مالکین خصوصی ابزار تولید، یورش برند. در آن شرایط بی‌سابقه، آنان این اقدام را یک وظیفه و مسئولیت شناختند و دریافتند. با فروتنی و بی‌خودستایی و نه در ایفای نقش شهیدان قهرمان و «مظلومی» که سلاخان خویش را به پیشواز می‌روند. پرچم سرخ، نماد جمهوری کار، برفراز بالاترین ساختمان پاریس، در اهتزاز، به جهان پیام فرستاد: زنده باد کمون، کمون قلب تپنده بین الملل کارگران! پاریس یک محدوده جغرافیایی ملت‌گرا و ملت‌نبود با ناسیونالیست‌هایش که همانند اقلیمی خودمختاری و فدرالیسم بخواهند و با حکومت مرکزی به چانه زنی بپردازند تا سهمی در قدرت اقتصادی و سیاسی و نفت و گاز بخواهند و ترافیک تانکرها به راه اندازند و سران‌اش به فساد و تباهی و استثمار ملت خویش بر تخت نشینند. پاریس ستون پولادین «واندوم» که نماد پیروزی ناپلئون بر دیگر سرزمین‌ها بود سرنگون و نابود ساخت. در همان چند روزه‌ی نخست خودگردانی کمونی. و گاریبالدی انقلابی ایتالیایی را به شهروندی انترناسیونالیستی کمون برگزید و با صدها کمونیست انترناسیونالیست دیگر. این نخستین انقلاب بود که در آن طبقه‌ی کارگر، نمایندگی لایه‌های زیر ستم و میانه را با بخشودگی بدهی‌ها به بانک‌های گرو استان، رهایی زن از ستم و خودرهایی کارگران را اعلام کرد. در سپیده‌دمان ۱۸ مارس، پاریس با اعلام تندرآسی: زنده‌باد کمون برخاست. کمون در بیانه ۱۸ مارس کمیته‌ی مرکزی در سپیده‌دم اعلام کرد: «پرولت‌های پایتخت که شاهد ناتوانی‌ها و خیانت‌های طبقات حاکم بودند، دریافتند که ساعت موعود، برای آن‌که آنان با به‌دست گرفتن زمام امور، کشور از وضع فعلی برهانند، فرارسیده است... پرولتاریا دریافت که وظیفه‌ی اجتناب‌ناپذیر و حق مطلق اوست که سرنوشت خویش را خود به‌دست گیرد و بابه دست‌گیری قدرت، پیروزی این سرنوشت را تضمین کند.» (کمون پاریس، ۱۸۷۱، آ ژلوبوفسکیا، ترجمه محمد قاضی، چاپ دوم، نشر آلفابت ماکزیماسوند ۱۳۸۰)



کمون اعلام کرد که طبقه‌ی کارگر نمی‌تواند به این پسند کند که ماشین دولتی را پاسداری و دست نخورده از آن استفاده کند. این بزرگترین آموزش کمون بود. ماشین سرکوب و تمامی ارگانهای اداری و حکومتی سرمایه‌داران از جمله: ارتش دائمی، نیروی انتظامی، دستگاه اداری، روحانیت و دستگاه دادرسی باید منحل می‌شد. راز حقیقی کمون، بیان و برقراری شیوه‌ای از «حاکمیتی» بود که می‌بایست به نه-حکومتی دگرگون شود. حکومتی که از آن خود طبقه تولیدکننده بر ضد طبقات دارنده و مالک ابزار تولید و مناسبات بهره‌کشی بود. کمون، یک خودحکومتی تراز نوین و سیاسی سرانجام به‌دست آمده‌ای که رهایی اقتصادی کار کالایی را هدف گرفته بود، از گذر آن ساختار خودگردان را پیشاهنگ بود.

پاریس، مرکز انقلاب جهانی کارگران، پاریسی شد که کار و اندیشه و پیکار را در ۷۲ روز به هم پیوند داد تا در زهدان خود، انقلاب سوسیالیستی را بپروراند.

برداشت از مفهوم شورا:

حاکمیت شورایی سراسری، دیگر حکومت به معنای خاص کلمه نیست، بلکه بستری است منطقی و اصولی برای پیشبرد هرچه انسانی‌تر و آگاهانه‌تر محو طبقات، لغو امتیازات طبقاتی و ازخودبیگانگی انسان. برای پیش‌گیری از بازتولید حکومت سرنگون شده، باید با آغاز از کمونیسم شورایی بر نه-حکومت یا حکومت کمون که مرحله‌گذاری است به جامعه کمونیستی پای فشرده. برای تحقق سوسیالیسم، بین جامعه سرمایه‌داری و کمونیستی روندی دگرگون‌کننده و گذاری پیوسته و بدون درنگ وجود دارد. این گذار با یک گذار سیاسی هم راستاست که در آن حکومت سیاسی پرولتاریا، یا همانا خودگردانی شورایی است. از همین روی، به جای حاکمیت شورایی، خودگردانی شورایی، مناسب‌ترین و بی‌شبهه‌ترین مفهومی است که به حکومت سیاسی طبقه کارگر و متحدین تپی دست شهر و روستا، معنا می‌بخشد. حاکمیت شورایی، برخلاف حکومت بورژوازی، تثبیت‌گرا نیست و در سیری ذوب شونده درحال دگرگونی است. یعنی از همان بدو پیدایش خویش نفی خود را می‌آغازد. این سازمان سیاسی قدرت طبقه کارگر از سازمان‌های سیاسی توده‌ای کارگران و زحمتکشان متحد طبقه کارگر بنیاد می‌گیرد و برای پیشبرد امور جامعه و برای زوال خویشتن خویش سازمان می‌یابد.

وقوع و سازمان‌یابی چنین ساختاری (یا به بیان دیگر: قدرت سیاسی طبقه کارگر)؛ اما نه تنها بورژوازی، بلکه بسیاری از مدعیان سوسیالیسم را که در واقع چیزی جز سوسیال دموکرات‌های راست، میانه و چپ وطنی نیستند، به‌هراس می‌افکنند.

برخلاف بسیاری از چپ‌ها که فقط در سطح شعار از شورا



به مناسبت سالگرد کمون پاریس، اولین حکومت کارگری در جهان

مسلم سپرده می‌شود. اعلام می‌شود که زمین از آن کسی است که روی آن کار می‌کند، ابزار از آن کارگران و کار حق طبیعی همگان است. حقوق‌های گزاف مقامات بالای دولتی لغو می‌شوند، بالاترین حقوق نمیتواند از دستمزد یک کارگر ماهر بیشتر باشد. قضات و مقامات بالای اجرائی انتخابی خواهند بود و هرگاه که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند، عزل می‌شوند. مجازات اعدام لغو می‌گردد و دستگاه گویوتین در ملا عام سوزانده می‌شود. آموزش رایگان بنا گذاشته می‌شود. انحلال همه کلیساها و مصادره اموال آنان به تصویب کمون می‌رسد. کلیه کمک‌های مالی دولتی به کلیسا قطع می‌شود. مذهب به عنوان امر خصوصی افراد اعلام می‌گردد. مدارس از تسلط کلیسا رها می‌شوند، دادگستری و آموزش و پرورش از مذهب جدا شده و قضات انتخابی می‌شوند.

کار شبانه‌ی نانوائی‌ها ممنوع میگردد. حقوق کارمندان کمیسیون‌های کمون در حد حقوق کارگران نانوائی‌ها تعیین می‌شود. در دستگاه اداری کمون، اداره پلیس به جای اینکه عامل حکومت مرکزی باشد به ارگانی در خدمت رفاه مردم تبدیل شده و تمام وظایف سیاسی این اداره لغو می‌گردد. مسئولین اداره پلیس هم، هر آن می‌توانند عزل شوند. کمون آزادی بیان و مطبوعات، آزادی اجتماعات، تشکیل سازمانهای اجتماعی و سیاسی را اعلام می‌کند. کمون مؤسساتی را که صاحبان آنها از پاریس گریخته بودند، به دست انجمن‌های کارگری که در کارخانه‌ها به وجود می‌آیند، می‌سپارد.

ساختار دولت کمون با همه انواع دولت‌های پیشین از اساس متفاوت بود. کمون از افرادی تشکیل می‌شد که در محلات مختلف از پائین به بالا انتخاب می‌شدند. کمیته مرکزی کمون پاریس ۸۳ نفر عضو داشت و به حکم قانون مصوب هر گاه اکثریت انتخاب کنندگان اراده می‌کردند، می‌توانستند هر کدام از آنها را عزل کنند. این کمیته هم قانون گذار و هم مجری قانون بود.

کمون پاریس گرچه بیش از ۷۲ روز دوام نیاورد و بورژوازی آن را در خون کمونارهای قهرمان پاریس غرق نمود. اما نقاط قوت و ضعف آن و درسها و تجارب آن دست آورد طبقه کارگر در نبرد های سرنوشت سازی هستند که هنوز پیش روی این طبقه قرار دارد.

سخن روز تلویزیون حزب کمونیست ایران

سه شنبه - ۲۸ اسفند - ۱۳۹۷، ۱۹ - ۰۳ - ۲۰۱۹



روز دوشنبه هیجدهم ماه مارس سالگرد تشکیل اولین حکومت کارگری جهان در کشور فرانسه است، که به کمون پاریس شهرت یافت. کارل مارکس کتاب "جنگ داخلی در فرانسه" را در توصیف کمون پاریس با این جملات ماندگار شروع کرد: "در صبح ۱۸ مارس، پاریس با صدای رعد آسای زنده باد کمون، از خواب بیدار شد. کارگران پاریس، در میان ضعف‌ها و خیانت‌های طبقات حاکمه دریافتند که ساعت عمل برای نجات اوضاع، از راه به دست گرفتن اداره امور کشور، فرا رسیده است... وقتی کمون پاریس زمام انقلاب را به دست خود گرفت، وقتی برای نخستین بار کارگران ساده جرأت کردند به امتیازات بالا دستی‌های خود تجاوز کنند، در آن وقت دنیای کهن با دیدن درفش سرخ، مظهر حکومت کارگری که بر فراز شهرداری به اهتزاز درآمده بود، از خشم و غضب به خود می‌پیچید. این کارگران ساده در شرایط بیمانندی از سختی، با فروتنی و دلسوزی و به نحوی مؤثر کار خود را به انجام رساندند."

کمون پاریس رویدادی خلق الساعه و بدون زمینه نبود. این تحول ریشه در دوره انقلابی سالهای ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۱، که مبارزات گسترده کارگران، همه کشورهای غرب اروپا را فراگرفت و نیز مبارزات کارگران فرانسه در فاصله سالهای ۱۸۶۹-۱۸۵۷ داشت. شکست ارتش بورژوازی فرانسه در جنگ با لشکر پروس که تا دروازه های پاریس پیشروی کرده بود، به مثابه جرقه ای بود که آتش خشم کارگران و مردم پاریس را شعله ور ساخت. توده کارگران و پاریسیان قیام کننده، دولت بورژوازی فرانسه را از پاریس فراری دادند و خود امر دفاع از شهر را در مقابل اشغالگران بر عهده گرفتند. دولت فراری که تا دیروز با دولت پروس در حال جنگ بود، با همکاری ارتش پروس، توطئه های مشترک خود بر علیه کارگران قیام کننده را طرح ریزی کردند. در قدم اول پروسها ۶۰ هزار اسیر جنگی فرانسوی را آزاد کردند و در اختیار دولت فراری قرار دادند و در تجدید سازمان ارتش شکست خورده با آن همکاری کردند. سرانجام دولت بورژوازی فرانسه با همکاری ارتش پروس به پاریس حمله کردند. کمونارهای دلیر مقاومتی تا پای جان را آغاز کردند، اما سرانجام پس از چند روز در نبردی از لحاظ نظامی نابرابر، شکست خوردند. در فاصله کوتاهی ۱۷ هزار کارگر در خیابانها پاریس قتل عام شدند. هزاران نفر اعدام شدند. بدین ترتیب بورژوازی فرانسه انتقام خود را از کارگران قیام کننده گرفت و اولین تجربه انقلاب کارگری جهان شکست خورد. کمون پاریس، نخستین حکومت کارگری در جهان و آفریننده دولتی بود که چنانچه پیروزی آن استمرار می یافت، طبقه کارگر را قادر می ساخت تا گامهای بعدی برای استقرار یک جامعه کمونیستی را با استواری بردارد. کمون شکل تاریخی و معینی از دولت، با مختصات ویژه‌ای بود. نگاهی گذرا به پاره ای از مصوبات و اقدامات کمون نشان از تولد مناسبات اجتماعی نوینی دارد که در ادامه خود می تواند به رهائی نهائی بشریت از بربریت نظام سرمایه داری منجر شود.

ارتش حرفه‌ای ملغی اعلام شده و امور نظامی به دست مردم

→ سخن می‌گویند، بی‌آنکه محتوای حقیقی آنرا بپذیرند، تبیین از شوره، آنگونه ساختار و سازمانی است که طبقه کارگر و لایه‌های مختلف تهی دستان شهر و روستا را دربر گرفته، نمایندگی کرده و در تبادلات انقلابی ارگان سیاسی - اقتصادی - اجتماعی این اکثریت اهالی جامعه باشد. این سازمان شورائی، نهاد خودگردان، مجمع عمومی مولدین، کمون و یا هر نام دیگری که بیانگر مضمون تاریخی - اجتماعی و طبقاتی آن باشد؛ قدرت سازمانیافته خودگردانی همه‌جانبه ی جامعه را به نمایندگی از سوی برگمارندگان (یعنی همه ی آنهائی که به‌گونه ای در تولید اجتماعی شرکت دارند) در دست دارد. برگمارندگانی که به‌طور مداوم بر کارکرد، برنامه‌ها و تبادلات آن نظارت می‌کنند؛ از آن گزارش می‌گیرند؛ گزارش‌ها را به‌گونه‌ای انتقادی با آنچه که می‌بایست انجام شود، مقایسه می‌کنند؛ و بنا به تشخیص خویش و ضرورت‌های اجتماعی هرآینه نمایندگان را برکنار و یا به‌کار برمی‌گمارند. شورا نه‌تنها به یکباره و ابتدا به‌ساکن، بر فراز سر کارگران و زحمتکشان تشکیل نمی‌شود و ساختاری هرمی ندارد از هیچ سازمان و حزبی نیز دستور سازماندهی و کارکرد نمی‌گیرد؛ بلکه در درون مبارزات کارگران و در پروسه ی مبارزه ی طبقاتی سازمان می‌یابد و خود - رهائی و خودگردانی تولیدکنندگان را در پیوستاری پویا، از کوچک‌ترین سلول‌ها و هسته های کارگری - سوسیالیستی تا اندام واره‌ها و ساختار گسترش افقی - سرتاسری طبقه‌کارگر، تهی‌دستان شهر و روستا و دیگر تولیدکنندگان را به‌تجربه و آزمون می‌گذارد.

۲۰۱۹-۲۵-۰۳



نصرت تیمورزاده

جنبش "جمعه ها برای آینده" و چالش هایش



هائیتی که به سختی می توان مقاومتی را در مقابل آنها سازمان داد، همه و همه نتایج دهشتباری بر زندگی میلیون ها انسان می گذارد. مهاجرت های میلیونی، قحطی و گرسنگی که جان نزدیک به ۲۰ میلیون نفر را تنها در یمن سودان و سومالی تهدید می کند و البته این تنها میلیون ها مردم جهان نیستند که قربانی انهدام محیط زیست می گردند. نابودی انواع جانوران، چه آنها که در خشکی و چه آنها که در دریاها زندگی می کنند از تاثیرات دیگر این جنگ با طبیعت است. زمانیکه لاشه های نهنگ های دریایی در کنار ساحل یافت شده و در داخل شکم آنان صدها کیلو پلاستیک یافت می شوند، زمانیکه در ته دریاها و اقیانوس ها ذره های حاصله از میکروپلاستیک ها محیط تنفس و زندگی جانوران دریایی را تنگ تر می کنند، آنوقت دیگر درک اینکه چرا دانش آموزان در چنین مقیاس گسترده ای به جای رفتن به کلاس درس به خیابان آمده و نگرانی خود را از دامه حیات کره ای که در آن زندگی می کنند، ابراز می دارند چندان مشکل نیست.

طبیعی است که شرکت کنندگان در جنبش دانش آموزان در دفاع از محیط زیست مثل هر جنبش اجتماعی دیگر دیدگاههای گوناگون در مورد راه حل نجات کره ی زمین داشته باشند. این دیدگاه ها هم در مورد خود سؤال محیط زیست و هم چگونگی مبارزه جهت نجات محیط زیست موجودند و به همین جهت انسان ها وسازمان های متفاوتی در آن حضور دارند. کسانی می توانند در میان آنان این توهم را داشته باشند که می توان به اصطلاح "سرمایه داری سبز" به وجود آورند کسانی هم موجودند که می گویند که راه حل در تغییر سیستم موجود نهفته است. اینان در واقع نسل جوان گرایش چپ در جامعه هستند. برای آنها سؤال مرکزی برابری انسان ها در استفاده از این کره است. از نظر آنان مبارزه علیه نابودی محیط زیست را نمیتوان جدا از مبارزه علیه نظم سرمایه داری در نظر گرفت. از آنرو که هدف این نظم حاکم بهره کشی نامحدود از انسان و طبیعت است.

بسیاری از این دانش آموزان برای اولین بار است که درگیر یک مبارزه شده و جنبشی را بوجود آورده اند. و از همین زاویه خطر بزرگی آنان را تهدید می کند که از جانب سیاست و مدیای بورژوازی مورد بهره برداری قرار گرفته و رادیکالیزاسیون موجود در آنها به تدریج رنگ ببازد. در واقع آنان یک خون جدید به تعارضات و مبارزات اجتماعی می آورند. امری که در سال های گذشته در بسیاری از مبارزات و جنبش های اجتماعی فقدان حس می شد و درست از این منظر تسخیر خیابان ها توسط این موج عظیم نیروی جوان اهمیت ویژه ای دارد. باید امیدوار بود که این مبارزه و این جنبش هم دامنه خود را گسترش دهد و

آزاد شده نه تنها کاهش نیافته بلکه افزایش پیدا کرده است. تحقیقات نشان می دهد سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ گرم ترین سال ها از زمان امکان اندازه گیری دمای هوا می باشند. همین امر سبب گردید که دو هفته ی پیش سازمان ملل بر مبنای یک تحقیق اعلام کرد که حتی اجرای کامل پیمان اقلیمی پاریس نمی تواند از افزایش سه تا پنج درجه ای گرما در قطب جنوب جلوگیری نماید. طنز تاریخ اینکه درست در قدرتمندترین کشور امپریالیستی جهان جاییکه به یمن به قدرت رسیدن ترامپ، جنگ با طبیعت به روند اساسی تبدیل شده است، در سال ۱۹۶۵ از جانب سازمان های معتبر و پیشرفته ی علمی در مورد انهدام محیط زیست به دولت آمریکا هشدار داده شده بود. در همین هفته ی گذشته که در بیش از ۲۱۰ شهر آلمان دانش آموزان در خیابان ها حضور یافتند همراه آنان نزدیک به ۱۹۰۰۰ نفر از دانشمندان کشورهای آلمانی زبان اروپا با انتشار بیانیه ای ضمن حمایت از اعتراضات دانش آموزان، اعلام کردند که تا سال ۲۰۴۰ باید تولید گازهای گلخانه ای به صفر کاهش یابد. همزمان در کشورهای هلند، فرانسه، استرالیا و آمریکا نیز گروه های مشابهی از محققین و دانشمندان این عرصه از جنبش دانش آموزان برای دفاع از محیط زیست اعلام همبستگی کردند. در ۱۴ مارس، ۲۳ اسفند شکایت نامه ای علیه دولت فرانسه در زمینه ی ناکافی بودن اقدامات زیست محیطی با امضا بیش از ۲ میلیون نفر به دادگاه ارائه شد. عین همین شکایت در آلمان ماه ها قبل به دادگاه عالی آلمان ارسال شده است. در هلند این شکایت با موفقیت روبرو شده و دولت هلند مجبور گردید که فعالیت های راکتورهای ذغال سنگی را به جای سال ۲۰۲۴ همین امسال متوقف کند.

اکنون دیگر ماه ها و هفته هاست که خبر هولناک به اصطلاح بلایای طبیعی به صدر اخبار جهان راه یافته است. آب شدن وسیع کوه های یخ در قطب جنوب سریع تر از آنچه که انتظار می رفت صورت می گیرد که خود افزایش گازهای کربن را به همراه می آورد. طبق ارزیابی محققین دانشگاه تگزاس آب شدن این کوه های یخ می تواند امواجی با ارتفاع ۳۰ متر به وجود آورد که تمام روستاهای اطراف را به زیر آب ببرند. آتش سوزی های وسیع در آمریکا، روسیه، استرالیا، طوفان های سهمگین از جمله در

دهها هزار دانش آموز در سراسر جهان روز جمعه در اعتراض به سیاست های اقلیمی به جای حضور در کلاس های درس، خیابان ها را به تصرف خود درآوردند. به جرات می توان گفت که این عظیم ترین اعتصاب در دفاع از محیط زیست است که در تاریخ اتفاق افتاده است.

چندین ماه است که روزهای جمعه دانش آموزان در بیش از یکصد کشور جهان یک جنبش دفاع از آینده ی خود و در واقع دفاع از آینده ی جهان را سازمان داده اند. زمانیکه چند ماه پیش برای اولین بار یک دانش آموز سوئدی به نام "لیونل" به جای رفتن به کلاس درس با تعدادی از همکلاسی های خود در اعتراض به سیاست های اقلیمی دولت های جهان دست به یک تجمع اعتراضی چند نفره در مقابل پارلمان سوئد زد، شاید به سختی کسی می توانست تصور کند که این تجمع چند نفره زمان چندانی احتیاج نخواهد داشت که به یک جنبش جهانی تبدیل شود. گسترش سریع این جنبش این سؤال را طرح کرد که آیا با آغاز یک جنبش جهانی نوجوانان روبرو هستیم؟

در واقع در سراسر جهان از نیویورک تا ریودژائیرو، از برلین تا ژوهانسبورگ، از بمبئی تا سیدنی و از چین تا برزیل صدها هزار دانش آموز اکنون با جنبشی تحت نام "جمعه ها برای آینده" میادین و خیابان های شهرهای بزرگ جهان را به نمایش اعتراض خود تبدیل کرده اند. آنها خطاب به دولت های سرمایه داری می گویند که "شما دارید آینده ی ما و فرزندان ما را لگد مال می کنید". آنها می گویند "سیاره ی دیگری نداریم". این دانش آموزان برخلاف دول سرمایه داری که به متابه کارگزاران سرمایه عمل می کنند هیچ گونه منفعتی در انهدام محیط زیست ندارند. اگر برای صاحبان راکتورهای اتمی، بنگاه های تولید اتومبیل، تولیدکنندگان میلیاردها تن پلاستیک، انهدام جنگل های طبیعی، تولید کنندگان انرژی فسیلی مسئله ی مرکزی افزایش سود است ولی دغدغه ی این دانش آموزان نابودی کره ای است که باید در آن زندگی کنند. نابودی شهرهایی که در صورت ادامه ی این وضع به زیر آب خواهند رفت. نگرانی آنان از طوفان هایی است که دائماً رو به افزایش هستند و بالاخره نگرانی آنان از خشکسالی و قحطی به ویژه در آن بخشی از جهان است که نقشی در انهدام محیط زیست نداشته ولی قربانیان جنگ با طبیعت سرمایه داران هستند.

باوجود اینکه بیش از سه دهه است که دانشمندان عرصه ی تغییرات اقلیمی در مورد نتایج حاصل از ادامه سیاست مبتنی بر انهدام محیط زیست هشدار می دهند، با وجود تبلیغاتی که در مورد پیمان اقلیمی پاریس انجام گرفته، همین سال های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ نشان می دهند که میزان دی اکسیدکربن



اطلاعیه پایانی کنفرانس دوازدهم تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران

بدینوسیله به اطلاع می‌رسانیم که کنفرانس دوازدهم تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران در فواصل روزهای ۲۲ تا ۲۴ ماه مارس برگزار شد. این کنفرانس با حضور نمایندگان منتخب اعضای حزب کمونیست ایران از کشورهای مختلف اروپایی، کانادا، استرالیا، ترکیه و یونان، شماری از رفقای ناظر از حوزه های حزبی و هیئتی از طرف کمیته اجرایی حزب به مدت سه روز به مسائل مهم مربوط به اوضاع جهان، خاورمیانه و ایران پرداخت و در پرتو آن اولویت ها و وظایف تشکیلات خارج را مورد بحث قرار داد.

کنفرانس با سرود انترناسیونال، سرود همبستگی بین المللی کارگران، و اعلام یک دقیقه سکوت در گرامیداشت جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و پنج کادر حزب کمونیست ایران رفقا، رحمان نجات، سیامک شامی، توفیق عباسی، فرخ امجدیان (مامو فرخ) و عبدالله منوچهری (مامه شوانه)، که در فاصله مابین کنفرانس ۱۱ تا ۱۲ تشکیلات خارج از کشور حزب جان باختند، کار خود را آغاز کرد. سپس کنفرانس سخنرانی افتتاحیه رفیق عادل الیاسی دبیر کمیته خارج از کشور حزب را شنید و با ارائه گزارش رفیق گوهر معمارزاده، ناظر کل انتخابات کنفرانس، ادامه یافت. پس از آن کنفرانس اعتبار نامه نمایندگان را تصویب و وارد دستور جلسات روتین خود شد. دستور جلسات کنفرانس عبارت بودند از:

- گزارش سیاسی و تشکیلاتی کمیته خارج از کشور به کنفرانس و بحث بر سر آن.
- تصویب قرارها و قطعنامه های پیشنهادی به کنفرانس.
- انتخاب کمیته خارج از کشور.

کنفرانس به مدت سه روز حول دستور جلسات فوق به بحث و تبادل نظر پرداخت و در آخرین بخش از دستور جلسه خود رفقا فریده رضائی، گلاویز رستمی، فراست صالحی، مینو درخشان، کریم امانی، اسماعیل قهرمانی، کاوه الیاسی، رسول عزیزان، اقبال شهبازی، جمال پیشکاری، رحیم ملکی، فرهاد فتاحی، محبه ایرجی، فرهاد شعبانی و عادل الیاسی را بعنوان اعضای کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران انتخاب نمود.

کنفرانس بعد از سه روز کار فشرده، نهایتاً با تشکر و سپاسگزاری از کلیه رفقای که ملزومات برگزاری این کنفرانس را فراهم کرده بودند، بخصوص رفقای نماینده و ناظر، و قدردانی از کلیه رفقای دست اندر کار بخش های فنی، تدارکات و امنیت، با اجرای سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران

۲۴ ماه مارس ۲۰۱۹



هم تداوم خود را تضمین کند. و به زبان دیگر یک رعد و برق زود گذر نباشد. این نسلی که به میدان آمده است با مسائلی روبرو گشته که رابطه بسیار مستقیمی با آینده او دارد. آنان همه روزه تصاویر طوفان های سهمگین را می بینند، آنان همه روزه تصاویر انسان هایی که درخروش وحشی سیل های خشمگین مدفون می شوند، را می بینند، آنان تصاویر هم سن و سالان خود را می بینند که پاهایشان حتی قدرت کشیدن بدن های رنجور و استخوانی آنها را ندارند و می بینند که این میلیون ها انسان قربانی سیستمی هستند که مسبب واقعی این به اصطلاح " بلایای طبیعی " است.

اینکه در همه ی جنبش هایی از این نوع پرسش سیستم اقتصادی - اجتماعی موجود طرح می شود، چالشی است که در مقابل همه ی نیروهای چپ و کمونیست در سراسر جهان قرار دارد. در واقع پرسش نجات محیط زیست پرسشی است که در جوهر خود مسئله ی برابری در مقابل بهره کشی را به میان می آورد. اگر چپ جهانی مدعی است که برای تمام جنبه های حیات انسان بدیل خود را دارد، بنابراین نمی تواند و نباید در قبال انهدام محیط زیست تماشاگر باشد. مسئله ی مرکزی در اینجا هم این است که حفظ کره ی زمین رابطه ی تنگاتنگی با پرسش نظم اقتصادی دارد. این نظم اقتصادی یا باید در خدمت سرمایه باشد و یا در خدمت انسان.

اگر قرار است که بشریت در صلح زندگی کند، اگر قرار است که فقر انسان ها به تاریخ سپرده شود، اگر قرار است انسانی که در بنگلادش و یا کشورهای کشورهای آفریقایی زندگی می کند با انسانی که در پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری ساکن هستند به طور یکسان از نعمات این جهان بهره گیرند، در این صورت باید به سؤال کدام نظم اقتصادی - سیاسی پاسخ درست و روشن داد. سرمایه داری نشان داده است که تضاد موجود بین حفظ طبیعت و بهره کشی سرمایه دارانه تضادی آنتاگونیستی است. آن نظم اقتصادی که بر مبنای استخراج هرچه بیشتر انرژی فسیلی بر مبنای راکتورهای اتمی و ذغال سنگی و در خدمت افزایش ارزش اوراق سهام انحصارات غول آسا بنا شده است، جهت کسب این اهداف تنها می تواند با هجوم به طبیعت به اهداف خود نائل شود. اولین نتیجه این هجوم جنگ هایی است که جهت سلطه به این منابع انرژی صورت می گیرد. در کره ای که در نتیجه ی جهانی شدن تبدیل به یک روستا گردیده است، نمی شود در این روستای جهانی شده که بخشی بر بخشی دیگر تسلط پیدا کرده اند، بخشی از دسترنج بخش دیگر ثروت اندوزی می کنند، صحبتی هم از صلح آزادی و برابری نمود. روشن است نظامی که بر مبنای نابرابری، بر مبنای بهره کشی، بر مبنای گسترش مناطق نفوذ و رقابت استوار شده است، نمی تواند مدافع معیارهای انسانی باشد. این معیارها با آن سیستم در جوهر خود در تضاد با یکدیگر قرار دارند.

واقعیت این است که دفاع از محیط زیست و صلح با طبیعت یک مسئله ی طبقاتی است و درست از همین منظر جواب طبقاتی می طلبد. هر طبقه ای جواب خود را به این امر می دهد. اگر سرمایه داران سیاست جنگ با طبیعت را در پیش گرفته اند، کمونیست ها سیاست خود را بر مبنای آشتی بر طبیعت بنا می نهند.

بیست و چهارم مارس ۲۰۱۹



چهره های ماندگار:



زرین تاج (طاهره قره العین) (۱۲۳۲-۱۱۹۶) / (۱۸۵۳-۱۸۱۷) بخش دوم (۲)

"ارتداد و امتناعش از توبه محقق و باید به نام قرآن به قتل برسد..."

پس از فتوا و فرمان تیرباران باب، چهارتن از رزمندگان بر آن شدند تا ناصرالدین شاه و میرزا تقی خان امیر نظام (امیرکبیر) را به قتل برسانند، اما در انجام آن ناکام ماندند. آنان در لباس باغبان در کاخ شاه رخنه کرده و در پی مجال مناسبی در روز پانزدهم اوت ۱۸۵۲، در حالیکه سوارانی مسلح، شاه را نگهبانی می کردند، در کاخ نیاوران، شاه در راه شکار را شکار گرفتند. یکی از رزمندگان، لگام اسب شاه را گرفت و به سوی او شلیک کردند. ساچمه های تفنگ شکاری به تهیگاه و به بازوی دست راست ناصرالدین شاه خوردند، که تیرهای کاری نبودند. یکی از مبارزین به دست نگهبانان شاه، جابجا کشته شد و سه نفر دیگر پس از شکنجه، بی آنکه نام همدستان خود را آشکار کنند، با قداره، دو نیمه و در میدان شهر آویخته شدند (سفرنامه کارلا سرنا، مردم و دیدنی های ایران).

در پی این رخداد، فتوای قتل زرین تاج مبارز نیز صادر گردید. این تلاش بی فرجام، بهانه ای به دست رژیم داد تا به قتل همگانی مخالفین و توده های بپا خاسته فرمان دهد. در آن روزها بیش از ۴۰ تن از مخالفین رژیم و نواندیشان رابه اتهام بایبگری و شرکت در سوء قصد به ناصرالدین شاه دستگیر کردند. بیست و هشت تن از دستگیر شدگان را هرکدام به گروهی سپردند تا به وحشتناک ترین شیوه برای هراس افکنی به قتل رسانیده شوند. کسروی در کتاب "بهایگری" می نویسد:

"یکی را به بازرگانان دادند، که هرکدام زخمی زده کشتند. یکی را به او باش دادند که گرد آمده از پا درآوردند. یکی را به دارالفنون فرستادند که شاگردان نابود ساختند. یکی را به ملایان سپردند. یکی را به سربازخانه فرستادند. "بدتر از همه داستان حاجی سلیمان خان و قاسم تبریزی بود. حاجی سلیمان خان یکی از شناختگان بابیان به شمار می رفت، و چون با قاسم به دست فراشان داده شده بودند و در تن های ایشان سوراخ هایی پدید آوردند و شمع ها فرو برده و روشن گردانیدند، و رقصنده و نوازنده به جلوشان انداخته در کوچه های تهران گردانیدند و پس از دژ رفتاری های بسیاری که فراشان و مردم کردند، در بیرون دروازه چهارتکه شان گردانیدند، از دروازه ها آویختند... از کسانیکه در این روز کشته شدند، یکی حاجی میرزا جانی کاشانی (نویسنده نقطه الکاف) بود. قره العین که چند سال پیش دستگیر شده در خانه محمد خان کلانتر می زیست، اینزمان او را نیز کشتند.

به وسیله شاه، به امیر نظامی نشسته بود کشته شد. در حالی که اعتراضات ضد دولتی و جنبش ارضی، حکومت قاجار و مذهب حاکم را در آستانه ی فروپاشی قرار داده بود و شعله های پیکار از هر سوی زبانه می کشید تا فتوایالیسم را در هم پیچیده و حکومت را در هم شکنند، شاه سرشکسته از آخرین پاسخ زرین تاج که وعده ی سوگلی حرم شدن به این گونه پاسخ داده بود:

چه کنم که کافر و جاهدی به خلوص نیت اصفیا تو که غافل از می و شاهی،

پی قتل عابد و زاهدی

تو و ملک و جاه سکندری،

من و رسم و راه قلندری

اگر آن خوش است تو در خوری،

اگر این بد است، مرا سزا

به فرمان سلطان و قرآن، به عزیزخان سردارکل، حکمران وقت تهران، دستور قتل زرین تاج داده شد. جلاد، زرین تاج را به باغ ایلخانی (باغ ملی و پارک شهر کنونی تهران) آورد، و در آنجا با فرو بردن دستمالی در دهان، فریاد و شعر و سرود و پیام اش را در گلو به خون کشانیدند. پیکر سروآسای پیشاهنگ پیکار و آزادگی و خرد را در چاهی افکندند و آن را با آهک و سنگ و ساروج بی نشان ساختند. (۴)

بدینسان، دفتر زندگی زرین تاج، زنی که نمونه ی شهامت و آزادگی بود، بسته شد. او در فضا و پیوند سوسیالیستی آلمان یا فرانسه بود، روزای سرخ ما بود. رژیم حاکم به مثابه نماینده طبقه ی حاکمه، به فتوای اسلام، زرین تاج را در سن ۳۶ سالگی از جامعه گرفت، تا مالکیت، حکومت و مذهب و فرمانروایی سیاسی و اقتصادی اقلیت بهره کشان برستمبران، همچنان ایمن بماند. با این جنایت هولناک، زرین تاج که فاطمه نامیده می شد و شیخیه او را قره العین و "باب" وی را "طاهره" نام نهاده بود، همانند شراره ای در شبی سیاه برآمد و بر خاک افتاد. او نه تنها به سان نمونه ی انسانی آگاه، مبارز، نویسنده و شاعری راستگو و عاشق، به آنچه باورداشت و می گفت پایبند ماند، در زمانه ی خود نیز، به عنوان پیشروترین زن آگاه و باشهامت و شجاع که در یکی از تاریک ترین دوران حکومت فتوایالیسم از قفس مذهبی خانه ی فقهی کهنه اندیش، تا رهبری جنبش اجتماعی و برابری خواهانه توده ها، فرا روئیده بود، درخشید و پایه های حکومت را به لرزه افکند.

در این هنگام، از اسارت زرین تاج، چهار سال می گذشت. زرین تاج، در تمامی این دوران هولناک، در اتاقی سلول مانند، در بالاخانه ای که پله نداشت و نگهبانان بوسیله نردبان از آن آمد و شد می کردند، در خانه محمدخان نوری، کلانتر تهران به بند کشیده شده بود. چهارسال زندانی انفرادی در سلولی که به جز در نخستین ماه ها، هیچ گونه رابطه ای با دنیای خارج نداشت وی را از پای در نیاورد.

پرنس دالگورکی، سفیر روس در گزارش ۲۳ خود به روسیه به این اشاره دارد که "... مدت زمانی است که در تهران یک زن بایی، تحت نظر رئیس نظمیة محبوس می باشد، ولی گفته می شود که با وجود محدودیت هایی که برای او قائل بوده اند، او با وسائلی موفق می شود هم کیشان خود را دور خود جمع کند. بالاخره زن نامبرده، را در باغی در حضور آژدان باشی خفه نمودند و چهار نفر از بایی ها را شقه کردند، در بدن آن ها شمع های روشن داخل نموده و در این حال، آنها را در شهر می گرداند، این ها در حالی که به شاه ناسزا می گفتند، اظهار شادمانی می کردند و به این ابهت و جلال جان می دهند..."

زرین تاج در سلولی جانفرسا، زیر فشارهای جان فرسای تنهایی و روانی، پایدار ماند. برای به زانو درآوردن زرین تاج، آقاخان نوری، نخست وزیر شاه، دو مجتهد اصلی اسلام، ملا میرزا محمد مازندرانی و حاجی ملاعلی کنی را رویاروی وی فرستاد. آن دو آیت الله، هفت دوره گفتگو با زرین تاج داشتند و زرین تاج، آمدن امام زمان شیعیان را موهوم و آفریده مغزهای منجمد شده شمرد و به آنان گفت: "دلایل شما مانند دلایل بچه نادان و ابله ای است، تا کی پایبند این اکاذیب منافی با عقل هستید، کی عقل خود را متوجه شمس حقیقت خواهید کرد؟! آیت الله کنی با پریشانی ملای دیگر را به کناری کشید و گفت: "مباحثه با این کافر نمی توان کرد. "سپس، شکست خورده و پریشان، به خانه خود رفته و فتوایی نوشتند که "ارتداد و امتناعش از توبه محقق و باید به نام قرآن به قتل برسد..." (سه سال در میان ایرانیان، موسیو کنت دوگوبینو، دبیر اول سفارت فرانسه در ایران)

با این فرمان قرآنی، در سال ۱۲۲۹ خورشیدی (۱۲۶۸) در حالی که هنوز در سراسر ایران، به ویژه در زنجان، مازندران، تبریز، یزد، نیریز و... مبارزه و ایستادگی در برابر شاه و مذهب ادامه داشت و از سوی دیگر جنبش مشروطه خواهی آغاز گرفته بود، به دستور مستقیم ناصرالدین شاه و نخست وزیر وی، میرزا آقاخان نوری که پس از ترور امیر کبیر

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هئیت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.

* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.

* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.

* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.

* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

ارتجاع مذهبی و حکومتی، ممنوعه و سوزانیده شده اند و به اندیشه ها و نام او، دیوار آهنین فراموشی گسترانیده اند. مسلمانان، بهاییان، شیخیان و دیگران، به حربه ترور و تحریف شخصیت و ایده های این انسان آزاده پرداخته، تا از مبارزات او سوءاستفاده کنند. شیعیان، کینه توزانه اقدامات وی را از جمله، به دورافکندن کفن سیاه و روئنده و بیان هویت خویشتن خویش در میان مردم و سخنرانی در برابر مردان را نکوهش کرده و برابر با "روسی گری" نامیده اند. اما نام و حضور زرین تاج، در تاریخ مبارزات آزادی خواهانه ی توده ها و جنبش برابری طلبانه ی زنان، چون اختری تابناک ماندگار است. از نوشته ها و کارهای ادبی زرین تاج که بی شک بسیار بوده اند، جز چند سطر از غزلیاتی که آن هم در کتاب های دیگران یافت شده، تا کنون اثر دیگری یافت نشده است به جز نوشته های مذهبی دوران نوجوانی وی در خانه پدری از سوی بهاییان که زرین تاج هیچ پیوند و رابطه ای با اندیشه و آیین آنان نداشت. بهایی پس از سرکوب و نابودی کامل بایبان پدیدار شد.

نمونه هایی از غزلیات زرین تاج

گر به توافتم نظر، چهره به چهره روبه رو
شرح دهم غم ترا، نکته به نکته مو به مو
از بی دیدن رخت، همچو صبا فتاده ام
خانه به خانه در به در، کوچه به کوچه، کو به کو
می رود از فراغ تو، خون دل از دو دیده ام
دجله به دجله یمن به یمن، چشمه به چشمه جو به جو
دور دهان تنگ تو، عارض عنبرین خطت
غنچه به غنچه، گل به گل، لاله به لاله بو به بو
ابرو و چشم و خال تو، صید نموده مرغ دل
طبع به طبع و دل به دل، مهر به مهر و خو به خو
مهر تورا دل حزین، بافته بر قماش جان
رشته به رشته، نخ به نخ، تار به تار و پو به پو
در دل خویش طاهره، گشت و ندید جز ترا
صفحه به صفحه لا به لا، پرده به پرده تو به تو

زیر نویس ها

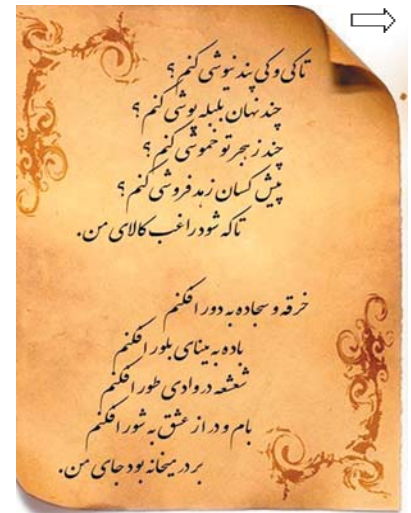
(۱) آلوسی مفتی بغداد، درباره زرین تاج می گوید: "من در این زن فضل و کمالی دیدم که در بسیاری از مردان ندیدم، او در عقل و استقامت و حیا و صیانت بسیار بود"

(۲) کنت دوگوبینو، سفیر فرانسه می نویسد: "او را پس از خفه کردن سوزاندند، و همچنین گفته اند که او را در چاهی خالی و در باغی موسوم به نگارستان انداخته اند و سپس چاه را به وسیله سنگ پر کرده اند."

(۳) طرحی از مادام دیولافوا (همسر ژان دیولافوا) باستان شناس فرانسوی در سال ۱۸۸۱-۱۸۸۲ از عکس زرین تاج تهیه کرد.

(۴) قاتل زرین تاج، رئیس نظمیه (شهربانی) تهران، از ۱۲ سال پس از این جنایت، در شورش زنان در برابر کاخ ناصرالدین شاه در اعتراض به بی نانی در سال ۱۸۶۵، مورد خشم قرار گرفت و به دستور شاه پس از کنده شدن ریش هایش، خفه شد.

(۵) امیر کبیر در ژانویه ۱۸۵۲ به دستور ناصرالدین شاه کشته شد.



هان، صبح هدی "فرمود" آغاز تنفس
روشن همه عالم شد، ز آفاق وز انفس
دیگر ننشیند شیخ بر مسند تزویر
دیگر نشود مسجد دکان تقدس
ببریده شود رشته تحت الحنک از دم
نه شیخ بجا ماند نه زرق و تدلّس
آزاد شود دهر، از او هام و خرافات
آسوده شود خلق ز تخمیل و تّوسّوس
محکوم شود ظلم، به بازوی مساوات
معدوم شود جهل ز نیروی تّفّرس
گسترده شود در همه جا فرش عدالت
افشانده شود در همه جا تخم تّوئس
مرفوع شود حکم خلاف از همه آفاق
تبدیل شود اصل تباین به تجانس

در این سروده، زرین تاج امید برای آغاز تنفس از نفس ها و افق های نو، نوید آزادی می دهد. آنگاه که رشته ریش شیخ و دکان های فریب مسجد و تقدس مذهبی بریده شود. او در همین جهان مادی و نه نسبه در «بهشت» دروغین و خرافات مذهبی. گیتی را از خرافات زدوده و نوید می دهد در همین دنیای جاری، خلق از ذهن گرایي ها و وسوسه های بیهوده آسوده می شود و ستم و نابرابری، به نیروی برابری، محکوم می شود و جهل نادانی با نیروی فراست و خرد نابود می شود و فرش برابری همه جا گسترانیده و بذر رفاقت و انس همه جا افشانده می شود و تمامی احکام خلاف انسانی از چهار گوشه جهان رفع می شود آنگاه که اصل جدایی ها و شکاف ها به تجانس و همگرایی و یگانگی می رسد.

با جان باختن زرین تاج و برخی از همراهان و هم اندیشه گان وی، زیر نام بابی گری و سپس بهایی گری و ازلی گری با دخالت مستقیم استعمار انگلیس و روس، به جنبشی که خواهان رفرم های ریشه ای در مذهب و مناسبات اجتماعی بود، لگام زده و به کژراهه و مسلخ کشانیده شد. با این همه تاریخ مبارزه طبقاتی نمی تواند، از نقش و جانفشانی های زرین تاج به سادگی بگذرد. جایگاه این انسان، همواره در تاریخ پیکار ستم کشان، سزاوارانه یاد و نام ویژه ای خواهد داشت. نام و آثار ادبی و ادبیات انقلابی و نوشته های زرین تاج با خشم

تماس با
کمیته تشکیلات داخل کشور
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹

۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات
داخل کومه له (تفشی)

takesh.komalah@gmail.com

در سال جاری تامین معیشت روزانه اکثریت مردم ایران دشوارتر خواهد شد!

جاری کارگران و اقشار حق طلب جامعه برای مطالبات معین و در خدمت تخفیف شرایط دشوار زندگی در عین حال مانع سرخوردگی آنها شده و امید به تغییر را در دل طبقه‌ی کارگر زنده نگاه می‌دارد. این مبارزات به کارگران مهلت بیشتری برای جلوگیری از تباهی جسمی و درونی خود می‌دهد. اعتراضات مردمی و اعتصابات کارگری در همانحال که ابزار تعیینکننده‌های برای تحقق خواست‌ها و مطالبات فوری جنبش کارگری و اقشار محروم جامعه‌اند، راه را برای ایفای نقش طبقه‌ی کارگر در هدایت و رهبری اعتراضات توده‌ای آینده نیز هموار می‌کند. در عین حال مبارزات جاری کارگران نقش تعیین کننده‌ای در زنده نگاه داشتن و تقویت فضای مبارزاتی و باز کردن فضای سیاسی در جامعه دارد. تداوم بیوقفی مبارزات کارگران برای همین مطالبات روزمره، آن روزنه‌ای است که روحیه‌ی



مبارزه‌جویی در سطح جامعه را تقویت می‌کند. مبارزات جاری کارگران در عین حال بستر مناسبی برای سازمانیابی طبقه‌ی کارگر است. تشکل توده‌ای و طبقاتی کارگران محصول جنبش مطالباتی جاری و اعتراضات و اعتصابات کارگری آن مکانیسم‌هایی هستند که کارگران از طریق آنها به اهمیت و ضرورت متشکل شدن پی می‌برند. همه این‌ها را کنار هم بگذاریم، به اهمیت مبارزات جاری برای دست‌آورد‌های و مطالبات معین، پی خواهیم برد. این تنها راه مستقیم برای مقابله با فقر گسترده‌ای است که جامعه ایران را در بر گرفته است.

برگرفته از سخن روز

تلویزیون حزب کمونیست ایران

یکشنبه - ۴ فروردین - ۱۳۹۸

است. سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل مجازات‌های اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی به شدت کاهش یافته و به صفر نزدیک شده است. سرمایه‌های داخلی به دلیل رکود بازار، بالا بودن هزینه تولید، عدم اطمینان به آینده و غیره عمدتاً به سوی بازرگانی و تجارت روی آورده‌اند. کارخانجات و مراکز تولیدی که در اختیار دولت و سپاه پاسداران قرار دارند به دلیل ضعف مدیریت و فساد اداری و مالی زیر ظرفیت خود کار می‌کنند.

اما در این هم شکی نیست که تشدید فقر و بیکاری تأثیرات بسیار مخربی بر شرایط کار، زندگی زنان و مردان کارگر و تندرستی کودکان آنان گذاشته و می‌گذارد. دغدغه تامین حداقل مایحتاج زندگی، کمتر مجال پرداختن به مسائل دیگر را به کارگری که مسئول تهیه نان شب خانواده است، می‌دهد. بعلاوه فقر و بیکاری به تفرقه در میان کارگران دامن می‌زند و از این لحاظ تأثیر مخربی بر سطح مبارزه کارگران با سرمایه داران و دولت باقی می‌گذارد. و این در حالی است که اقتصاد سرمایه داری ایران با تحریم‌های اقتصادی آمریکا و یا بدون این تحریم‌ها، راهی برای برون رفت از وضعیت کنونی سراغ ندارد. اپوزسیون بورژوازی این رژیم نیز الگویی غیر از آنچه که مراکز مالی سرمایه داری جهانی دیکته می‌کنند، سراغ ندارد. بنابر این تا آنجا که به مسئله تامین معیشت توده‌های کارگر و زخم‌متکش مربوط است، تنها راهی که برای نجات باقی می‌ماند، این است که این مردم خود راساً برای بهبود شرایط زندگی خود دست بکار شوند و حق خود را از گلوئی سرمایه داران و دولت‌شان بیرون بکشند تا روزیکه این رژیم و این نظام را به زیر بکشند. کارگران باهماهنگ و یکپارچه کردن مبارزات رو به گسترش خود می‌توانند شرایط کار و زندگی بهتری به رژیم و طبقه سرمایه دار ایران تحمیل کنند. سران جمهوری اسلامی که بر منابع ثروت این جامعه چنگ انداخته است، تا زمانی که تحت فشار مبارزات یکپارچه و سراسری کارگران و مردم محروم قرار نگیرند بهبودی در زندگی کارگران و خانواده‌های آنها ایجاد نمی‌کنند. از اینرو مبارزات



مقامات دولتی ادعا می‌کردند که موج جدید گرانی موقتی است و ناشی از روزهای آستانه سال جدید است. آنها می‌گفتند بعد از عید گویا قیمت‌ها فروکش خواهند کرد. اما عید آمد و رفت قیمت‌ها نه تنها بر سر جای اول خود باز نگشتند و بلکه همچنان سیر صعودی خود را حفظ کردند. از قیمت بلیط اتوبوس گرفته که رسماً ۲۰ درصد افزایش یافت تا قیمت پیاز که به کیلوئی ۱۱۰۰۰ تومان رسید، در این میان کالائی نمانده است که شامل این سیر صعود قیمت‌ها و رسوا شدن ادعاهای سران رژیم نشود.

اگر در ۶ ماه اخیر بیشتر تأثیر روانی تحریم‌ها بر بازار بود که گرانی کالاهای مورد نیاز مردم را موجب میشد، در ماه‌های آینده که شاهد آثار و عواقب مستقیم خود تحریم‌ها خواهیم بود بدون شک نتایج آن را در گرانی بیشتر کالاها و خدمات خواهیم دید. بدین معنی که در سال آینده فقر شدید تری بر کارگران و اقشار محروم جامعه تحمیل خواهد شد. کارگاه‌های بیشتری تعطیل خواهند شد و بیکاری افزایش می‌یابد. صاحب‌کاران به بهانه رکود و بحران حقوق ماهانه کارگران را با تأخیر بیشتری پرداخت خواهند کرد. تشدید گرانی و پائین آمدن قدرت خرید اکثریت جامعه را دیگر با یارانه‌های ناچیز و حمایت‌های موردی و کمک‌های کم‌میت‌ه امداد نمی‌توان جبران کرد. از یک طرف بخش‌هایی از مردم را نیازمند کمک‌های دولتی نگاه می‌دراند و از طرف دیگر تحریم و دزدی‌ها و مخارج سپاه و ارتش، کفه دولت را خالی‌تر خواهند ساخت.

اقتصاد سرمایه داری ایران تحت هدایت و رهبری حکومت اسلامی در بن بست کامل گرفتار شده

نماینده‌ی کومه‌له در خارج کشور

K.K. P.O.Box 75026

750 26 Uppsala - Sweden

Fax: 004686030981

representation@komalah.org

Tel: 0046 8 6030981

کمیته خارج کشور

0046-707 254 016

kkh@cpiran.org

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 2018

127 02 Skärholmen

SWEDEN

dabirxane.cpi@gmail.com

آدرس‌های حزب

کمونیست ایران

و کومه‌له